دیوان بلخ

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات پرونده موسسه نظرسنجی آینده صبح روز سه شنبه ۱۲ آذر در شعبه ۱۴۱۰ مجتمع قضایی کارکنان دولت به ریاست قاضی مرتضوی برگزار شد. در این جلسه، حسینعلی قاضیان متهم ردیف اول و مدیرعامل موسسه نظرسنجی آینده، عباس عبدی عضو هیئت مدیره موسسه نظرسنجی آینده متهم ردیف دوم، علیرضا علوی تبار متهم ردیف سوم، بهروز گرانپایه مدیرعامل موسسه ملی پژوهش نظرسنجی افکار عمومی به عنوان «مسطلع»، رمضان حاجی‌مشهدی وکیل مدافع متهم ردیف اول و تشکری نماینده مدعی‌العموم حضور داشتند. قاضیان، عبدی و گرانپایه چند هفته است که در زندان انفرادی به سر می‌برند. با اینکه از قبل اعلام شده بود محاکمه علنی برگزار خواهد شد، اغلب خبرنگاران، نمایندگان مجلس و اعضای خانواده‌های متهمان که می‌خواستند به سالن برگزاری محاکمه راه یابند، این امکان را نیافتند. چرا که برگزارکنندگان جلسه با انتخاب سالنی کوچک، دکوراسیونی ویژه و نیز پرکردن صفوف تماشاچیان از کارکنان مجتمع قضایی و نیز سایر وابستگان به نهادهای حکومتی، «محاکمه علنی» از نوعی خاص را ترتیب داده بودند.

در ابتدای جلسه رئیس جوان دادگاه به نام مرتضوی که سابقه او به ویژه در بستن مطبوعات طی سالهای اخیر در یادها مانده است، به ایراد سخنانی در باره تشکیل پرونده موسسه نظرسنجی آینده پرداخت. وی در باره پرونده موسسه ملی پژوهش افکار عمومی به مدیرعاملی بهروز گرانپایه گفت تحقیقات این پرونده در شرف تکمیل است و به محض اینکه پاسخ ۱۲ مورد استعلام دادگاه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شود، رسیدگی به این پرونده آغاز خواهد شد. در ادامه قاضی مرتضوی از تشکری نماینده مدعی‌العموم خواست تا به قرائت ادعانامه بپردازد.

تشکری تقریبا تمام طول ۵ ساعت جلسه را صرف خواندن کیفرخواست بیش از صد صفحه‌ای مربوط به قاضیان متهم ردیف اول کرد. به نظر می‌رسید او تعمد دارد که در این جلسه چیزی جز این کیفرخواست مطرح نشود. گفته می‌شود مجموعه کیفرخواست تنظیم‌شده از سوی دادگستری تهران، بالغ بر چهارصد صفحه است و قوه قضائیه می‌خواهد با طولانی‌کردن جریان محاکمه، متهمان را هرچه بیشتر در زندان انفرادی نگه دارد.

تشکری گفت در روز سوم مهرماه ۱۳۸۱، برخی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور نتایج یک نظرسنجی را در خصوص روابط خارجی ایران با آمریکا منتشر کردند که برابر یافته‌های نظرسنجی، گرایش گسترده‌ای در بین مردم برای مذاکره و برقراری رابطه ایران با آمریکا وجود دارد. متعاقب طرح این موضوع مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی که خبر نتایج این نظرسنجی را منتشر کرده بود در روز ۷ مهرماه ۱۳۸۱ به دادگاه احضار و مورد تحقیق قرار گرفت. روز بعد، مدیرعامل موسسه ملی پژوهش افکار عمومی، بهروز گرانپایه، به دادگاه احضار و طی هشت جلسه مورد بازجویی قرار گرفت. تشکری مدعی شد موسسه تحت مسئولیت گرانپایه مرتکب «جعل و تظریسازی»، «فروش اطلاعات به بیگانگان»، «بکارگیری عناصر نفوذی معاند» و «ارسال اطلاعات به عناصر ضدانقلاب» شده است و از این رو، «مقام قضایی» حکم بازرسی و پلمب موسسه را در دو مرحله صادر کرده است. نماینده مدعی‌العموم افزود در بازرسی‌های هشتم و دهم مهرماه از محل موسسه مذکور اسناد فراوانی ضبط شد و بهروز گرانپایه مدیرعامل موسسه در روز ۲۴ مهرماه بازداشت و به زندان منتقل گردید.

تشکری در ادامه گفت احمد پورقاني معاون وقت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال از بودجه وزارت ارشاد را به موسسه تحت مسئولیت گرانپایه داده و از این رو او نیز طی سه جلسه مورد بازجویی قرار گرفته است.

به گفته نماینده مدعی‌العموم در جریان بازجویی از متهمان و مطلعان پرونده موسسه ملی پژوهش افکار عمومی، ارتباطات خارجی موسسه دیگری به نام آینده نیز مطرح شد و قاضیان مدیرعامل این موسسه نیز بازداشت گردید. منزل قاضیان نیز مورد تفتیش قرار گرفت و پس از آن عباس عبدی عضو هیئت مدیره موسسه آینده نیز به اتهام داشتن اطلاع از چگونگی فروش اطلاعات به یکی از موسسه‌های منطقه‌ای موسسه گالوپ آمریکا بازداشت شد و «تحقیقات در خصوص دیگر متهمان پرونده نیز ادامه دارد و پرونده مفتوح است».

در کیفرخواست دادگستری تهران، اتهامات قاضیان بدین شرح اعلام شده است:

«الف ـ ارتباط مخفیانه و غیرمجاز با موسسات و عوامل وابسته به سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانه و جمع‌آوری و فروش اطلاعات به زیان دولت و به نفع دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و دریافت کمکهای مالی از آنان»

در این زمینه نماینده مدعی‌العموم ارتباط با گالوپ، یک موسسه فرانسوی، بنیاد زاکسی، دفتر کمیساریای حقوق بشر، گری سیک، یکی از دانشگاههای انگلستان، دانشگاه کلمبیای آمریکا و سفارت انگلستان در ایران را به عنوان «جرایم» قاضیان برشمرده است. جالب توجه است که نظرسنجی در مورد نظر مردم پیرامون آمریکا تنها در ایران صورت نگرفته و شامل دهها کشور بوده است. در روز ۱۴ آذر صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نتایج یکی از این نظرسنجی‌ها استناد کرد که طبق آن، نظرات منفی در باره اهداف و سیاستهای ایالات متحده در کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان رو به گسترش نهاده است. در ایران همه شواهد حاکی از روندی معکوس است که دلیل آن را می‌توان در واکنش مردم نسبت به تبلیغات شبانه روزی ضدآمریکایی در جمهوری اسلامی جستجو کرد. به عبارت دیگر، تقریبا در همه کشورهای اسلامی، مردم تمایلاتی در جهت مخالفت مشی دولت کشور خود دارند و این امر، شامل ایران نیز هست. حکومت جمهوری اسلامی آنجا که این واقعیت را می‌تواند به سود خود مورد بهره‌برداری قرار دهد، آن را در بوق و کرنا می‌دمد و آنجا که به ضررش است گزارش‌دهندگان را به زندان می‌افکند، به مصداق همان مثل معروف قربانی‌کردن آورندگان اخبار بد... نکته دیگر جالب توجه، اینجاست که نتایج نظرسنجی‌های فوق، به مذاق افراطی‌های دولت جرج دبلیو بوش نیز خوش نمی‌آید.

آوردن نام کمیساریای حقوق بشر به عنوان یک «موسسه بیگانه» نمایانگر آنست که گردانندگان قوه قضائیه در ایران، به شدت نسبت به بازتاب حقایق مربوط به ایران در گزارش‌های کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل حساسند و می‌کوشند با ارعاب و سرکوب، مانع رسیدن اخبار از ایران به این کمیساریا شوند. دلیل این تلاش نیز کاملا روشن است. اگر کارنامه حقوق بشری دادگستری ایران این قدر سیاه نبود، تا این حد از تماس پژوهشگران ایرانی با نهادهای بین‌المللی پاسدار حقوق بشر نمی‌هراسید.

دانشگاه بریتانیایی مورد اشاره نماینده مدعی‌العموم، موسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه لندن است که با دولت ایران همکاری رسمی دارد و حتی جلسات عمومی مشترکی با نماینده خامنه‌ای در لندن برگزار کرده است. اگر ارتباط با این موسسه جرم باشد، باید بورسیه‌های دولت ایران در این موسسه که شماری از آنها از مقامات عالی‌رتبه نهادهای وابسته به ولایت فقیهند بلافاصله بازداشت شوند.

مورد دوم اتهامات عبارتست از:

«ب - ارتباط غیرمجاز با عناصر بیگانه و ضدانقلاب خارج از کشور و دریافت کمکهای مالی از آنها» این مورد شامل شرکت در جلسات در کشورهای آمریکا و انگلیس، وصل خارج از کشور با مراکز و نشریات و افراد داخل کشور، شرکت در جلسه‌ای در پاریس و ارتباط با شماری از محققان ایرانی مقیم خارج از کشور است. پس از محاکمه شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین، این دومین یورش بزرگ قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای سرکوب و زندانی‌کردن کسانی است که تنها گناهشان، حفظ ارتباط با هموطنانشان در خارج از کشور است. ارتباطی که در بسیاری از موارد، سیاسی نیست و در مورد قاضیان نیز عمدتا در زمینه‌های پژوهشی بوده است.

همچنین «تشویق به آشوب» از طریق «جلسات مشترک با یکی از مسئولان سابق وزارت کشور»، «نگهداری غیرمجاز اسناد طبقه‌بندی‌شده» و «تبلیغ علیه نظام» از موارد اتهامی قاضیان است. قوه قضائیه می‌خواهد با طرح این گونه اتهامات، بازداشت‌شدگان را برای چندین سال به زندان بفرستد. حداقل دو نفر از متهمان (عبدی و علوی تبار) سابقه طولانی خدمت به نظام حاکم دارند و اکنون باید به خاطر نظرسنجی از مردم کوچه و بازار به زندان بیافتند. چراغ سبز این محاکمه رسوا را شخص علی خامنه‌ای صادر کرد که اخیرا در یک اقدام غیرقانونی، قبل از احراز و ثبوت جرم، کار متهمان را «جعل» و آنان را عوامل بیگانگان نامید. با این سابقه، به هیچ عنوان نمی‌توان امید داشت که دیوان بلخ به ریاست مرتضوی، در صدور احکام سنگین علیه متهمان، لحظه‌ای درنگ کند.

جالب اینجا بود که جلسه اول محاکمه با کسانی پر شد که در طول جلسه در خواب بودند. البته آنها که چرت می‌زدند، فقط از روی خستگی نبود که به خواب رفتند. لالایی «نماینده مدعی‌العموم» هم موثر بود. این جناب، ظاهرا مامور بود پنج ساعت جلسه پر کند و اواخر کار وقتی دید تند خوانده است، هر جمله را سه بار می‌خواند.

حسین شریعتمداری گردانندهٔ روزنامه کیهان که از او به نام یکی از خط‌دهندگان اصلی جناح اقتدارگرا در جمهوری اسلامی یاد می‌شود، روز ۱۳ آذر در یادداشتی در این روزنامه مدعی شد «یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های جاسوسی آمریکا و ستاد عملیاتی ستون پنجم دشمن در داخل کشور کشف شده است». وی از «طرح براندازی خاموش» سخن به میان آورد و محاکمه اخیر را با اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ مقایسه کرد. لازم به یادآوری است عباس عبدی متهم ردیف دوم، از طراحان و مجریان اشغال سفارت آمریکا بود و اکنون یکی از اتهامات او و قاضیان، شرکت در جلسه مشترکی در پاریس همراه با باری روزن از گروگانهای آمریکایی است. این جلسه چند سال پیش برگزار شد و معلوم نیست قوه قضائیه چرا اکنون آن را مطرح کرده است.

شریعتمداری از این احتمال سخن گفته است که متهمان از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض شناخته شوند. این نوشته شریعتمداری را باید نشانه‌ای تلقی کرد که حضرات، حداقل نقشه زندانی‌کردن طولانی متهمان را در سر دارند.

شریعتمداری پروژه «خروج از حاکمیت» را با پرونده نظرسنجی مرتبط دانسته است. لازم به یادآوری است که عباس عبدی نخستین کسی بود که از ضرورت خروج اصلاح‌طلبان از حاکمیت سخن گفت و سپس در کنگره حزب مشارکت، این تاکتیک به عنوان یکی از راه حل‌های ممکن مطرح شد. شریعتمداری می‌پرسد: «کدام حزب با جدیت بر آن اصرار ورزید؟ آیا این پروژه برای اولین بار توسط یکی از متهمان همین پرونده که اکنون اسناد ارتباط پنهان وی با سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس فاش شده است، مطرح نشده بود»؟ این نوشته باید زنگ خطری برای حزب مشارکت باشد که بارها شایعه زدن آن در ماه‌های اخیر پخش شده است. بارها ثابت شده است چیزی که شریعتمداری می‌نویسد، چند روز یا هفته بعد از زبان خامنه‌ای نیز شنیده می‌شود.

بیماری ایدز در ایران:

ادامه از صفحه اول

دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر علی هاشمی اعلام کرد که در حال حاضر شانزده‌هزار معتاد تزریقی، به بیماری ایدز مبتلا هستند. در حالی که تلاش می‌شود بیماران ایدزی را عمدتا به معتادان تزریقی محصور کنند، و از خطر گسترش این بیماری در روابط جنسی سکوت می‌شود، و در این زمینه آموزشی داده نمی‌شود. آمار رسمی تعداد بیماران ایدز را ۴ هزار تن می‌داند در حالی که آگاهان تعداد مبتلایان را بین ۲۰ هزار تا ۳۰ هزار برآورد می‌کنند که با وجود پنهان‌کاری و عدم آموزش در زمینه چگونگی انتقال این بیماری خطر آن وجود دارد که تعداد مبتلایان به‌طرز وحشتناکی افزایش یابد.

اخیرا انجمنی برای حمایت از مبتلایان به بیماری ایدز در ایران در حال تشکیل است. احمد قویدل عضو هیئت موسس این انجمن می‌گوید در اساس‌نامه پیشنهادی این انجمن تامین رفاه و آسایش مبتلایان، تلاش برای بهبود دارو و درمان، آموزش و ر اهپیمایی بیماران و تلاش برای عدم انتقال بیماری، چاپ کتب و نشریات برای آشناکردن مردم از اهداف این انجمن ذکر شده است.

گسترش فحشا

سرهنگ پاسدار غلامحسین دزفولی فرمانده اجرایی بسیج و مسئول امر به معروف و نهی از منکر گفت: از فروردین ماه سال جاری یک‌صد و هفت فاحشه‌خانه در تهران شناسایی و اشغال شده است.

او گفت که در شش ماه گذشته بیست و چهار هزار و نهصد تن را به اتهام روسپیگری و تن‌فروشی و یا دائرکردن فاحشه‌خانه‌ها دستگیر شده‌اند. او گفت که جمع اماکن فاسدی که سال گذشته بسته شد، ششصد و هفتاد خانه بود که طی آن چهل و هشت هزار و نهصد تن بازداشت شدند.

پدیده فحشا و تن‌فروشی که چند سال اخیر به طرز وحشتناکی رو به گسترش داشته است. جمهوری اسلامی به جای بررسی و ریشه‌یابی این پدیده با افراد قربانی آن مبارزه می‌کند.

انحصار چای هم بخشی از برنامه اصلاحات است؟

چندی پیش اعلام شد که انحصار پخش سیگار از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی سلب شده است. تا آن روز من هم مانند دیگر مردم کوچه و بازار، گمان می‌کردم که وظیفه سازمان تبلیغات اسلامی، چنان که از نامش برمی‌آید، تبلیغات دینی و در نتیجه تلطیف روح مردم بخشیدن آرامش به آنان در این جهان پرغوغا و خلاصه معطوف‌کردن نظر مردم از «پول‌گرایی» به «معنویت» است. اما با خواندن خبر مزبور در روزنامه‌ها، متوجه شدم که مدتی است این سازمان زیر نام مقدس، سرگرم پخش سیگار و نابودکردن جسم هم‌میهنان است.

نکته جالب نظر در این میان، دخالت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در امر انحصار پخش سیگار است. هنر زائیده روح لطیف انسان است. اما نمی‌توان هیچ‌گونه رابطه‌ای میان هنر با سرطان ریه، مری، زبان و نیز سکته قلبی و... برقرار کرد. شاید هنر جدیدی به هنرهای هفت‌گانه افزوده شده و شاید مسئولان سازمان مزبور بتوانند دست کم جامعه‌ای هنرو هنرمندان را در داخل و خارج توجیه کنند.

چند روز پیش در اخبار بود که یک بانوی آمریکایی از هفده سالگی شروع به کشیدن سیگار کرده و در سن بالا دچار سرطان ریه شده بود، از شرکت سازنده سیگار، به دادگاه شکایت کرده و دادگاه شرکت مزبور را کمابیش به ۲۰۲ میلیارد دلار جریمه محکوم کرده است.

آیا کسانی هم که در ایران بر اثر کشیدن سیگار به سرطان ریه مبتلا شده و خواهند شد، می‌توانند از شرکت دخانیات که تولید انحصاری سیگار را در اختیار دارد و سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری آن که انحصار پخش این کالای زیان‌بار را به عهده داشته، به دادگاه شکایت برده و تقاضای ضرر و زیان کنند؟ البته تا مدنی‌شدن قوانین در ایران هنوز راه درازی در پیش است. اما به هر حال امید آن که روزی مردم بتوانند تولیدکنندگان و پخش‌کنندگان سیگار در کشور را به دادگاه بکشانند.

هم‌زمان با اعلام خبر سلب انحصار پخش سیگار از سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه هنری) اعلام شد که پخش، صادرات و واردات انحصار چای به سازمان مزبور واگذار شده است.

حیرت مردم کوچه و بازار از سلب یک انحصار برقراری انحصاری به مراتب نیرومندتر و سودآورتر، زیاد به درازا نکشید. ابتدا شایعه لغو انحصار دخانیات به گوش رسید و سپس روزنامه‌ها نوشتند که دولت لایحه لغو انحصار دخانیات را به مجلس داده است. آن وقت روشن شد که چرا سازمان تبلیغات اسلامی، انحصار پخش سیگار را کنار گذاشت و چنگ بر روی انحصار پخش چای، همراه با انحصار واردات و صادرات افکند.

در دنیایی که همه‌جا برای آزادسازی اقتصاد و ایجاد رقابت آزاد، انحصارات را درهم می‌شکنند و با تنظیم قوانین و نهادهای نظارت‌کننده از ایجاد و رشد آن جلوگیری می‌کنند، در کشور ما حتی در رشته‌هایی که انحصار وجود ندارد، انحصار، به وجود می‌آورند. آن هم با هزینه‌کردن از وجیه دین.

کسانی که بر اثر بوسه مادرانه بانوی محترم پنجاه و چند ساله، بر پیشانی جوانی، این گونه برآشفته شده و غیرت دینی‌شان به جوش می‌آید، آیا توجه دارند که واردکردن سازمان تبلیغات اسلامی به پهنه انحصار و تولید و کسب سود و درآمد و آلوده‌کردن نام اسلام به «پول»، چه زیانی بر بنیان‌های باور مردم کوچه و بازار وارد می‌کند؟

از یاد نبرید که امروز، قیمت چای داخلی به ازای هر نیم‌کیلو میان ۶۰۰ - ۴۰۰ تومان یعنی کیلویی ۱۲۰۰ - ۸۰۰ تومان است. بدون تردید به زودی بر اثر ایجاد انحصار در امر پخش، واردات و صادرات چای، قیمت‌ها به بیش از دو برابر افزایش خواهد یافت. این نفس انحصار است که تا آن جا که بتواند، کالای بد را با قیمت گران به بازار عرضه کند. سازمان تبلیغات اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اکنون که توانسته است انحصار پخش، واردات و صادرات چای را در کشور به دست آورد، در اثر نبود رقیب، بدترین کالا را با گران‌ترین قیمت به بازار عرضه خواهد کرد.

پرسش این جاست که آیا انحصار چای و واگذارکردن آن به سازمانی که می‌بایست نقش روحانی و مقدسی داشته باشد، بدون اطلاع دولت اصلاحات و مجلس اصلاح‌طلب و یا این که ایجاد انحصار، آن هم در این دوره و زمانه، عین اصلاحات است؟! انحصار به هر شکل و گونه، مذموم و محکوم است. حال پرسش این است که چه کسانی اجازه داده‌اند که برای ایجاد انحصار از پوشش «اسلام» بهره گرفته شود.

نگذارید، پهنه‌ای سازد که

زیان کسان از پی سود خویش

بجویند و دین اندر آرند پیش

منبع: WWW.ParsPejvak.com

مصباح یزدی:
اگر آقاجری اعدام نشود، سال دیگر ده تا مثل او پیدا می‌شوند.

مصباح یزدی در سخنرانی در قم در دفاع از حکم اعدام آقاجری گفت:

در مرکز انقلاب اسلامی به مقدسات دینی و به ائمه دین جسارت بشود و در دادگاه محاکمه بشود و محکوم به اعدام بشود آن وقت کسانی آن حکم را ننگین بنامند شرم کجا رفته؟ دین کجا رفته؟ اگر این حکم شکسته بشود چه راهی مانده تا این که حکم امام هم شکسته بشود. فردا می‌گویند در کشور خودتان شما مرتد را تبرئه کردید، آن‌وقت توقع دارید یک کسی از یک کشور دیگری محاکمه نشده اعدام بشود.

کسی صریحا بیاید بگوید: دین نه تنها افیون توده‌هاست بلکه افیون حکومت‌ها هم هست. زشت‌ترین توهین‌ها را به مقدسات دینی بکنند آن وقت کسانی در این کشور اسلامی در پست‌های مختلف رسمی و غیررسمی از این متهم کافر مرتد مهدورالدم حمایت کنند.

آن‌وقت جواب حکم امام را چه خواهند داد. زبان دنیا به روی ما باز نمی‌شود که این شخص با سلمان رشدی چه فرق دارد؟ با این که این شخص در دادگاه کشور خود شما محکوم به اعدام شده اما سلمان رشدی، هیچ‌جا محاکمه هم نشده، اقلا یک فرصت دفاع به او می‌دادید.

فردا کسانی جرات پیدا خواهند کرد که بگویند دموکراسی باید به جایی برسد که هر وقت مردم خواستند هر حکومتی را عوض کنند.

امروز ضروریات اسلام در نشریات پرتیراژ در کتاب‌ها در سخنرانی‌ها در دستگاه‌ها صریحا انکار می‌شود احکام دین مسخره می‌شود و نفس از کسی درنمی‌آید. این بیشتر رنج‌آور است. فکر می‌کنید این نوبری که حالا پیدا شده محکوم به اعدام شد تمام می‌شود. قضیه، والله اگر این حکم اجرا نشود، سال آینده اقلا ده تا مثل آن پیدا خواهند شد.

زنان ایران

مخبر کمیسیون اجتماعی:

طرح اجازه اقامت دائم به همسران غیرایرانی زنان ایرانی، در کمیسیون اجتماعی رد شد.

ماده واحده طرح اجازه اقامت دائم به همسران غیر ایرانی زنان ایران -که طبق این ماده فقط در رابطه با اتباع افغانی است - در کمیسیون اجتماعی رای نیاورد.

بهیار سلمانی، مخبر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر به ایسنا گفت: بر اساس رای امروز کمیسیون، طرح اجازه اقامت دائم به همسران غیر ایرانی زنان ایرانی که طبق ماده واحده طرح، تنها مشمول اتباع افغانی می‌شود مستثنی شد. وی در خصوص دلائل رد این طرح از سوی کمیسیون گفت: ورود و ادامه توقف این افراد غیرقانونی است و حال نیز زمانی است که آن‌ها باید کشور را ترک کنند و بر اساس قانون فعلی، زن حق دارد که با مرد خارجی ازدواج کند. اما تقاضای اقامت موقت در ایران را داشته باشد.